

مبانی فقهی اعتراف به گناه

در گروه های نوپدید اجتماعی و آثار و پیامدهای آن

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۱/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۴/۱۸)

مرتضی چیت‌سازیان^۱

استادیار دانشگاه شهید مطهری (ره)

سید امید موسوی

کارشناسی ارشد دانشگاه شهید مطهری (ره)

چکیده

حفظ آبروی انسان از امور بسیار با اهمیت در دین مقدس اسلام بوده و درباره حفظ آبرو، آیات قرآن و احادیث مختلفی از معصومین (علیهم السلام) وارد شده است که بر اهمیت و جایگاه ویژه این امر اشاره دارد. حکم اولی و ابتدایی در شرع مقدس اسلام عبارت است از اینکه هیچ کس حق ندارد آبروی انسانی خود یا شخص دیگری را بریزد و به آن خدشه ای وارد نماید و صیانت از آبروی انسانی وظیفه هر فرد است. یکی از اموری که باعث از بین رفتن آبرو می شود، اعتراف یک انسان به گناهان خویش می باشد که بنابر حکم اولی در باب صیانت از حیثیت انسانی، هیچ کس حق آبروریزی از خویش را با اعتراف به گناهان خود ندارد مگر در مواردی که شرع مقدس به خاطر مصالح بالاتری اجازه ی این کار را داده باشد. در این مقاله به بررسی و تحقیق پیرامون مصادیق مختلف اعتراف به گناه در گروه های نوپدید اجتماعی مانند مراکز روانشناسی و روانکاو و اعتراف در نزد بازجویان و ضابطین قضائی خواهیم پرداخت و از نظر مبانی فقهی مورد بحث و مطالعه قرار خواهیم داد.

واژگان کلیدی: اعتراف، آبرو، گناه، گروه های نوپدید اجتماعی

مقدمه

با عنایت به توجه و اهتمام ویژه شرع مقدس اسلام به آبروی انسان و لزوم صیانت و حفظ آن، خداوند به هیچ کس اجازهٔ هتک آبروی افراد را نداده است، بلکه انسان‌ها را به حفظ آبروی خویش نیز ملزم نموده است و لذا هیچ انسانی حق ندارد که آبروی خود را از بین ببرد و شأن انسانی خود را نادیده بگیرد. این دستور دینی بر مبنای اصل مهم حفظ کرامت انسانی استوار گردیده که در قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) به این اصل اشاره شده است. یکی از اموری که باعث از بین رفتن آبروی انسان نسبت به خودش می‌شود، مبحث اعتراف به گناه می‌باشد که در روایات متعددی مورد مذمت شدید قرار گرفته است و از افعال حرام شناخته می‌شود. با این وجود گاهی به دلیل مصالح بالاتری که برای انسان و جامعه وجود دارد، اعتراف به گناه از شمولیت حکم حرمت خارج شده و قابل انجام خواهد بود، مانند مواردی در باب قضاء و شهادت که گاهی اعتراف به گناه توسط مجرم، باعث کاهش و یا سقوط حدود و تعزیرات مربوط به او می‌شود. هم‌چنین امروزه در مراکز روانشناسی و روانکاوی، افراد متخصص بنا بر نیاز مراجعین خود، وارد حیطه‌هایی از زندگی خصوصی آنها می‌شوند و ممکن است از گذشتهٔ آنها مطالبی را بشنوند که بیان آن مطالب می‌تواند شامل مبحث اعتراف به گناه در گذشتهٔ افراد مراجعه‌کننده باشد، لذا بنا بر اصل اساسی کرامت انسانی که همیشه مورد توجه شرع مقدس است، ضروری است که متخصصین امور روانشناسی و روان‌درمانی، ضابطین و بازجویان قضایی و سایر گروه‌های مرتبط با این بحث، دقت‌های دقیق فقهی در این زمینه را داشته باشند. با توجه به اهمیت این موضوع و لزوم تبیین مرز و حدود اعتراف به گناه و مصادیق آن، نیاز به مطالعهٔ دقیق در مبنای فقهی عنوان اعتراف به گناه در گروه‌های نوپدید اجتماعی وجود دارد که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

بخش اول: لزوم حفظ آبروی شخصی

عزت و آبروی انسان، نعمتی است که خداوند متعال به انسان بخشیده است و برای آن ارزش بسیاری قائل شده است و به مومنان دستور داده است که هم آبروی خود را حفظ کنند و هم آبروی دیگران را مورد توجه و صیانت قرار دهند. آبروی مومن در نزد خداوند آنقدر ارزشمند است که آن را برابر با خون او قرار داده است و ریختن آبروی خود و یا دیگران را مورد حرمت شمرده است. این توجه و اهتمام در آیات و روایات و سیره عملی اهل بیت (علیهم السلام) مشاهده می‌شود که به آن اشاره خواهد شد.

بند اول: اهمیت حفظ آبرو در قرآن کریم

خداوند در سوره مبارکه منافقون عزت و آبرو را نعمتی الهی می‌داند که مخصوص خود، پیامبر اکرم (صلی الله علیه) و مومنین می‌باشد.

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون / ۸)

امام صادق (علیه السلام) در توضیح این آیه می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَوَضَّ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يَفُوضْ إِلَيْهِ أَنْ يَذِلَّ نَفْسَهُ، الْم تَرَقُولُ اللَّهَ سَبْحَانَهُ وَ تَعَالَى هَاهُنَا: وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنُ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ عَزِيزًا وَ لَا يَكُونَ ذَلِيلًا» (حویزی، ۱۱۱۲، ج ۵: ۳۳۶) همانا خداوند متعال همه کارهای مؤمن را به خود او واگذار نموده، جز این که به او اجازه نداده است خود را ذلیل و خوار کند. مگر نمی‌بینی خداوند در این باره فرموده است: عزت مخصوص خدا و رسول او و مومنان است. سزاوار است مومن همیشه عزیز باشد و ذلیل نباشد. در آیه دیگری خداوند می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» (حج / ۳۸)

«همانا خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند.»

همانطور که از آیه کریمه مشخص است خداوند مدافع مومنین است و لذا آبروریزی و از بین بردن شأن انسان مومن به صورت قطعی مورد نهی و مذمت خداوند خواهد بود.

در آیات مختلفی از قرآن کریم، مشاهده می کنیم که خداوند به حفظ آبروی انسان های بی گناه و مومنان اشاره دارد. در این مورد می فرماید:

«وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا» (نساء/ ۱۱۲)

«هرکس خطا یا گناهی را مرتکب شود و آن را به گردن بی گناه بیاندازد، بهتان و گناه آشکاری را انجام داده است.»

چنان که مشخص است کسانی که گناهان خود را به گردن افراد بی گناه می اندازند، مورد نکوهش شدید خداوند قرار گرفته اند زیرا با آبروی آنها بازی کرده و حیثیت انسانی آنها را مورد خدشه قرار داده اند.

در آیه دیگری بیان می شود:

«إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور/ ۲۳)

«بی گمان کسانی که به زنان پاکدامن بی خبر از فحشاء با ایمان، نسبت زنا می دهند، در دنیا و آخرت لعنت شده اند و برای آنها عذاب سختی خواهد بود.»

این آیه شریفه در مورد زنان پاکدامنی که به آنها تهمت و نسبت ناروا داده شده و از آن نسبت بی اطلاع هستند، صحبت می کند. بیان این تهمت ها که باعث بی آبرویی و آزار این زنان مومن می شود، مورد لعنت خداوند در دنیا و آخرت خواهد بود و عذاب بزرگی برای آن قرار داده شده است.

بند دوم: اهمیت حفظ آبرو در روایات

بیان اهمیت و جایگاه آبروی مسلمان و مومن در روایات متعددی از معصومین (علیهم السلام) مورد توجه قرار گرفته است که به مواردی اشاره خواهد شد.

امام صادق (علیهم السلام) در حدیثی می فرماید:

«لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي بِلَادِهِ خَمْسُ حُرْمٍ: حُرْمَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَحُرْمَةُ آلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَحُرْمَةُ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَحُرْمَةُ كَعْبَةِ اللَّهِ، وَحُرْمَةُ الْمُؤْمِنِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۱۰۷)

«خدای عز و جل را در سرزمینش پنج حرمت است: حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله، حرمت آل رسول خدا صلی الله علیه و آله، حرمت کتاب خدای عز و جل، حرمت کعبه خدا و حرمت مؤمن.» چنان که از متن حدیث بر می آید، احترام انسان مومن و حفظ شأن او در کنار حرمت معصومین (علیهم السلام)، قرآن کریم و خانه خدا قرار گرفته است و این هم ترازوی در احترام، نشان از جایگاه ویژه آبرو و شخصیت انسان مسلمان در نزد خداوند و شرع مقدس دارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه) در حدیث دیگری بیان می دارند:

«كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عِرْضُهُ وَ الْغَيْبَةُ تَنَاوُلُ الْعِرْضِ» (ورام بن ابی فراس، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۱۵)

«خون، مال و آبروی هر مسلمانی بر مسلمان دیگر حرام است و غیبت کردن، آبرو را از بین می برد.»

بنابر کلام نبوی، غیبت که بیان حقیقتی ناپسند در مورد شخص دیگری است، باعث از بین رفتن آبروی مسلمان می شود که مانند مال و خون هر مسلمانی، بر مسلمان دیگر حرام است و لذا اهمیت آبرو و تلاش برای حفظ و صیانت آن کاملاً مشخص می گردد.

در حدیث نبوی دیگری بیان می شود: «حُرْمَةُ النَّبِيِّ وَالْمُؤْمِنِ اعْظَمُ مِنْ حُرْمَةِ الْبَيْتِ ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۶۸) «جایگاه پیامبر و انسان مومن از جایگاه خانه خدا بالاتر است ...»

مشخص است که منظور از مومن، شخصیت و حیثیت او می باشد و لذا بی احترامی به این جایگاه مورد نکوهش خدا و اهل بیت (علیهم السلام) قرار دارد.

در روایتی از امام رضا (علیه السلام) به نقل از پیامبر اکرم (صلی الله علیه) نقل شده است:

«الْمُسْتَرُّ بِالْحَسَنَةِ يَعْدِلُ سَبْعِينَ حَسَنَةً وَالْمُدْبِعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ وَالْمُسْتَرُّ بِهَا مَغْفُورٌ لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۲۸)

«نہان داشتن نیکی برابر هفتاد نیکی است و فاش کننده گناه خوار شده است و نہان کننده آن آمرزیده است.»

حتی شیوه اهل بیت (علیهم السلام) در احسان کردن هم به گونه ای بوده است که آبروی فرد مقابل ریخته نشود. چنان که در حدیثی که روایت شده است، امام رضا (علیه السلام)، هنگامی که می خواستند به شخصی که درخواست کمک کرده بود، پولی بدهند، این کار را از پشت درب خانه کردند و به آن فرد فرمودند:

«برو که نه تو مرا بینی و نه من تو را ببینم.»

هنگامی که از حضرت پرسیدند چرا خود را پنهان کردید، در پاسخ فرمودند:

«مَخَافَةٌ أَنْ أَرَى دُلَّ السُّؤَالِ فِي وَجْهِهِ لِقَضَائِي حَاجَتَهُ» (قمی، ۱۳۵۲، ج ۱: ۴۱۸)

«ترسیدم که حقارت و شرمندگی درخواست کردن را به خاطر برآورده کردن خواسته اش در صورتش ببینم.»